



نویسنده: حسن موسی الصفار
مترجم: صفر سفیدرو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حسن موسی الصفار

وقف کارآمد

(راههای استفاده بهینه از موقوفات)

ترجمه:
صفر سفیدرو





سازمان اوقاف و امور خیریه
ساده‌تر نوشته

نام کتاب: وقف کارآمد

نویسنده: حسن موسی الصفار

مترجم: صفر سفیدرو

صفحه‌آرا: طارق بیدج

ناشر: انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

نوبت چاپ: اول

نوبت تاریخ: بهمن ۱۳۸۶

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۱۰۰-۵

فهرست مطالب

مقدمه

ح

| | |
|----|---|
| ۱ | وقف؛ عملی انسانی و پسندیده |
| ۳ | سنن وقف در اسلام |
| ۷ | دغدغه‌های بشری |
| ۱۱ | انتخاب هدف وقف |
| ۱۵ | وقف اهل بیت (علیهم السلام) |
| ۱۹ | اوقاف اهل بیت (علیهم السلام) و چالش‌های معاصر |
| ۲۳ | دنیا درباره اهل بیت (علیهم السلام) چه می‌داند؟ |
| ۲۵ | شناخت اهل بیت (علیهم السلام) |
| ۲۷ | بزرگداشت شخصیت‌ها |
| ۳۱ | آثار انتشار یافته درباره اهل بیت (علیهم السلام) |
| ۳۵ | موانع ایفای نقش مطلوب |
| ۴۱ | ضرورت بودجه مناسب برای توسعه فرهنگی |
| ۵۳ | پیوست‌ها |

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. اللهم صل على محمد وآل
محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم، وبارك
على محمد وآل محمد كما باركت على ابراهيم و
آل ابراهيم، إنك حميد مجید.

مقدمه

از زمان شروع فعالیتم در امور اجتماعی و دینی شاهد کشمکش‌ها و درگیری‌هایی برای به دست آوردن تولیت موقوفات در جامعه بوده‌ام؛ به گونه‌ای که گاهی برای تصدی مسئولیت موقوفه‌ای، جنگ و دعوا در می‌گرفت، گاهی نزاع به میان اعضای یک خانواده کشیده می‌شد و حتی حضور بعضی از عالمان دینی نیز در یک طرف درگیری به چشم می‌خورد. بعضی وقت‌ها این اختلافات چنان گسترش می‌یافت و به درازا می‌کشید که موجب پدید آمدن دسته‌بندی‌های اجتماعی می‌شد.

بعدها، برایم روشن شد که نیاکان ما چه ثروت عظیم و زمین‌های بزرگ وقفی را برای ما به ارت گذاشته‌اند. براساس برآورده کارشناسان حدود ۶۰ درصد از زمین‌های کشاورزی «قطیف» موقوفه است.

همیشه از خودم می‌پرسیدم که جامعه و مردم چقدر از این ثروت بزرگ استفاده می‌کنند. همچنین می‌دیدم که مردم نیز همین سؤال را می‌پرسند. در محافل مختلف به این سؤال نیش‌دار پاسخ‌های متفاوتی داده می‌شد و معمولاً نیز پیکان اتهامات به سمت و سوی مسئلان و متولیان وقف نشانه می‌رفت؛ اما به نظر من در منطقه ما[قطیف] مشکل اساسی، فقدان مؤسسه یا سازمانی برای اداره امور اوقاف است؛ بنابراین متولی وقف جدیت کامل برای اداره موقوفه به خرج نمی‌دهد، گاهی هم به رغم زحمات فراوانی که برای اداره موقوفه‌اش می‌کشد، هیچ تشکیلاتی وجود ندارد تا مشکلات را

برطرف و یا بر موقوفه نظارت کند و یا متولیان را با وظایفشا
آشنا سازد.

وقتی که از سوی هیأت امنای «اداره اوقاف و امور اسلامی
کویت» برای شرکت در نخستین همایش وقف جعفری در تاریخ
۱۵ و ۱۶ ذی القعده ۱۴۲۶ هـ.ق مطابق با ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵
دعوت شدم، فرصت را غنیمت شمردم تا افکار و اندیشه‌هایم ر
درباره راههای تغییر و تحول استفاده از وقف سامان دهم و اکنون
این نوشتار حاصل حضورم در این کنفرانس است.
امیدوارم این نوشته سبب شود تا درباره وقف و نقش این ثروت
در خدمت به دین و جامعه، فکری اساسی و اقدامی جدی صورت
گیرد.

حسن الصفار
۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ هـ.
۶ آوت ۲۰۰۶ م

وقف؛ عملی انسانی و پسندیده

وقف امور خیریه از مهم‌ترین پدیده‌های پسندیده انسانی به شمار می‌رود که عمق تمایلات خیرخواهانه بشر و اهتمام او به مصالح و منافع نسل‌های آینده را نشان می‌دهد و بیانگر گرایش‌هایی است که تحقق آنها به نظر مفید می‌رسد.

«وقف» در لغت به معنای «حبس» و در اصطلاح عبارت است از: حبس اصل عین و رها ساختن منفعت آن برای بهره‌برداری در جهت مورد نظر واقف.

وقف منحصر به اسلام نیست بلکه مردمان قدیم نیز به گونه‌ای وقف داشته‌اند؛ پادشاهان بابل حق بهره‌برداری از بخش‌هایی از اراضی خود را به بعضی از کارمندان می‌دادند اما آنان حق تملک، فروش یا بخشش آن را نداشتند. قانون بابلی‌ها با شرایطی اجازه می‌داد که حتی پس از مرگ این کارمندان، حق استفاده از زمین‌ها به وارثان آنان برسد.

کاوش‌های جدید باستان‌شناسی در مصر نیز نشان می‌دهد که در زمان فراعنه بعضی افراد بر زمین‌های اطراف معبد‌ها، مقبره‌ها و مجسمه‌ها نظارت داشتند تا درآمد حاصل از آن صرف تعمیر، نگهداری و برگزاری مراسم در آنجا شود و بخشی از آن به کاهنان و خادمان این مکان‌ها پرداخت گردد. همچنین در زمان فراعنه وقفی صورت می‌گرفت که امروزه به آن «وقف اولاد» می‌گویند؛ به این ترتیب که افراد، منفعت چیزی را به فرزندان و ذریه خویش

اختصاص می‌دادند بدون این که حق تملک و یا واگذاری آن را داشته باشند.

در روم قدیم نیز بعد از ظهور مسیحیت، قانون وقف دگرگور شد و با نظارت کلیسا صرف دست‌گیری از فقیران و افراد ناتوازان گردید. دین اسلام هم این کار خیر انسانی و پسندیده را تشویق نمود و به آن جهت داد و آن را قانونمند کرد و در جزیرة العرب که هیچ گونه نشان تاریخی از وجود وقف به چشم نمی‌خورد آن را پایه‌گذاری کرد. امام شافعی می‌گوید: «تا آن جایی که من می‌دانم مردمان زمان جاهلیت وقفی انجام نمی‌دادند و فقط مسلمانان وقف می‌کردند».^(۱)

ظاهراً بعضی از دانشمندان به اشتباہ افتاده، ادعا کردند که وقف از ویژگی‌های اسلام است؛ از همین روی النووی می‌گوید: «وقف از ویژگی‌های مسلمانان است اما شافعی می‌گوید مردمان زمان جاهلیت هیچ خانه و زمینی را وقف نکرده‌اند». ^(۲) نظر درست هم همین است که وقف در میان عرب‌ها قبل از اسلام کار شناخته‌شده‌ای نبود، اگر چه در تاریخ دیگر مردمان دیده می‌شود.

۱. الرحلی، وهیه، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۱۵۴، چاپ سوم ۱۹۸۹ م، دارالفکر، دمشق.

۲. همان، ص ۱۵۷.

سنت وقف در اسلام

هدف ارزش‌های اسلامی این است که انسان امکانات و توانایی خود را در کار خیر، خدمت به بشریت و بخشش و انفاق در راه خدا به کار گیرد؛ همین موضوع باعث شده تا در جامعه اسلامی بسیاری از مردم بخش زیادی از دارایی‌های خود را در راه خدا و اهدافی پسندیده وقف کنند.

بخشش و صدقه نزد خداوند ثوابی بزرگ دارد و استمرار صدقه از راه وقف، یعنی برخورداری انسان از ثوابی همیشگی نزد خداوند؛ حتی پس از مرگ؛ بنابراین وقف، فرصتی مهم و منفعتی بزرگ را برای یک مسلمان فراهم می‌کند؛ از همین‌رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

«با مرگ انسان، عمل او قطع می‌گردد مگر در سه مورد: صدقه جاریه، علم سودمند و فرزند صالح که برایش دعا کند». ^(۱)
امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «پس از مرگ پاداش اعمال انسان ادامه نمی‌یابد، مگر در سه مورد: صدقه‌ای که در زمان حیاتش داده و پس از مرگش نیز جاری است، سنت نیکویی که بنا نهاده و پس از فوت‌ش به آن عمل می‌شود، و فرزند صالحی که برای او دعا کنل». ^(۲)

-
۱. القشيری النیشابوری، مسلم بن الحاج، صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۶۳۱، چاپ اول ۱۹۹۸ م، دارالمعنی للنشر والتوزیع، ریاض.
 ۲. الحرج العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، حدیث شماره ۲۴۳۷۶، چاپ اول ۱۹۹۳ م، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.

علمای می‌گویند منظور از صدقه جاریه همان وقف است.^(۱)
همچنین از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که پیامبر
اکرم (صلی الله علیه و آله) خود وقف می‌کردند. آن حضرت می‌فرماید
«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بخشی از اموال خود را وقف کردند و از
آن مال از میهمانانش پذیرایی می‌شده است».^(۲)

امیرمؤمنان، علی (علیه السلام) نیز اموالی را وقف کردند. امام صادق (علیه
السلام) در بیان فضایل آن حضرت می‌فرماید: «او بینه خدا بود که
خداآوند بهشت را برایش واجب گرداند، بخشی از اموالش را جدا
کرده بود تا پس از خود برای فقیران خرج شود و می‌فرمود: بار
خدایا، این کار را کردم تا به واسطه آن، آتش را از صورتم و صورتم
را از آتش دور گردانی». ^(۳) و نیز از جابر بن عبد الله انصاری نقل شده
است که هر کدام از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) که قدرت و مکتنی
داشت وقفی انجام می‌داد.^(۴)

در کتاب صحیح مسلم از عبدالله بن عمر نقل شده است که در
خییر زمینی به پدرش رسید. وی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت
و عرض کرد: یا رسول الله، در خییر زمینی به من رسیده که برایم
خیلی ارزشمند است، با آن چه کنم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:
«اگر دوست داری، اصل آن را وقف کن و عایداتش را صدقه بده». ^(۵)
عبدالله بن عمر می‌گوید: «عمر آن را وقف کرد به گونه‌ای که آن
زمین خرید و فروش نشود، به ارث نرسد و هبہ نیز نگردد».

به این ترتیب سنت وقف جای خود را در میان مسلمانان باز

۱. النجفی، محمدحسن، جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۵، چاپ اول ۱۹۹۲ م، مؤسسه المرتضی العالمیه،
دارالمورخ العربي، بيروت.

۲. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، حدیث شماره ۱۶۰۷۰، چاپ سوم ۱۹۹۱ م، مؤسسه آل‌البیت،
بيروت.

۳. همان، حدیث شماره ۱۶۰۶۹.

۴. همان، حدیث شماره ۱۶۰۷۳.

۵. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، حدیث شماره ۱۶۳۲.

کرد، افق گستردگی را رقم زد و اهداف آن در خدمت دین و منافع عمومی گسترش یافت.

اکنون موقوفاتی مانند مساجد برای محل عبادت داریم و نیز موقوفه‌هایی برای ساخت و ساز مساجد، و مواردی هم برای آموزش قرائت و تلاوت قرآن. بعضی نیز برای فرزندان، ذریّه و خوبیشان خود موقوفه‌هایی قرار داده‌اند. همچنین برای کمک به فقیران و مستمندان و یا نشر علم و دانش مواردی وقف شده است.

دغدغه‌های بشری

اگر در طول تاریخ مسلمانان، به اهداف وقف توجه کنیم، در می‌باییم کسانی که دارایی خود را وقف کرده‌اند، اهدافی خداپسندانه داشته و کاری انسانی انجام داده‌اند که این موضوع بیانگر وجود فرهنگ و تمدن غنی در این افراد است.

وجود بی‌شمار مدارس علمیه موقوفه و موقوفات گوناگون در راه نشر و گسترش علوم و معارف همچون حقوق علماء، اساتید، طلاب، و وقف کتاب‌های علمی، همگی نشان می‌دهند که مسلمانان از چه آگاهی و پیشرفتی برخوردار بوده‌اند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ه.ق) تمام زمین‌های کشاورزی یک روستا را به منظور تهیه کاغذ برای علماء و فراغیران علم وقف کرده است.^(۱) همچنین بیشتر مدارس علمیه موقوفه‌اند نه دولتی؛ فقط در شهر «صقلیه» بیش از سیصد مدرسه وقفی ساخته‌اند که ده‌ها هزار نفر در آنجا به صورت رایگان مشغول به تحصیل هستند. این مدارس برای افراد غیر بومی خوابگاه نیز دارند و تمام نیازهای زندگی از خوراک تا پوشان برایشان فراهم است. از این گونه موقوفات در همه سرزمین‌های اسلامی به چشم می‌خورد؛ در تونس، شیروان، قاهره، مکه، مدینه، دمشق، بغداد، نیشابور، بلخ، شهرهای آسیای میانه، ترکیه، هند، ایران و دیگر جاها.^(۲)

۱. الامین، سیدمحسن، اعيان الشیعه، ج ۸، ص ۲۱۶، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۹۸۶.

۲. الموسوعة العربية العالمية، ج ۲۷، ص ۱۳۰.

در زمینه بهداشت و سلامت نیز موقوفاتی وجود دارد؛ مانند درمانگاهها، پاسخ‌گویی به نیازهای بیماران، کمک به فقیران و افرا ناتوان، استقبال از مسافران و ایجاد خانه‌ها و مسافرخانه‌هایی برای آنان و سقایی و همه این موقوفات گویای این نکته است که مسلمانان به برکت تربیت اسلامی از چه حس و شعوری برخوردار بوده‌اند.

در این زمینه باید به این موضوع هم اشاره کنم که حتی تنوع در اهداف وقف نشان می‌دهد که واقعیت توجه کامل داشته‌اند تا نیازها، مشکلات و نواقص موجود در جامعه - هر چند بسیار کوچک - با انجام وقف برطرف شود؛ مثلاً می‌بینیم در بعضی مکان‌ها موقوفه‌هایی وجود دارد تا برای آسایش بیماران در فصل گرما وسائل خنک کننده مانند پنکه تهیه کنند، و یا بیمار پس از بهبودی و در دوران نقاوت از اموال وقفی استفاده کند تا مجبور نباشد بلاfacile پس از درمان مشغول به کار شود. در طرابلس موقوفه‌ای هست که درآمد آن به دو نفر پرداخت می‌شود تا هر روز به بیمارستان‌های شهر رفته، با بیماران صحبت کنند و به آنها دلداری و امید دهند و با بروز کردن مشکلات روحی ایشان به بهبودی آنان کمک کنند. یکی از زیباترین وقف‌ها، وقف ظروف سفالین است. اگر خدمتکاری ظرفی را بشکند، شاید از سوی ارباب یا صاحب خانه‌اش تنبیه شود و یا با مشکل رو برو گردد؛ از این‌رو بعضی افراد خیر، موقوفه‌ای قرار داده‌اند که در صورت شکسته شدن ظرفی، جایگزین آن تهیه شود تا برای خدمتکار مشکلی پیش نیاید و تنبیه نشود.^(۱) همچنین در مشهد مقدس وقفی انجام شده برای غذا دادن به گربه‌های گرسنه و سرگردان.

در شهر ما «قطیف» وقفی برای پاکسازی سنگ‌های موجود در

راه‌ها وجود دارد. همچنین از آن‌جا که بین قطیف و جزیره تاروت پلی وجود نداشت، وقفی برای نصب علائم و نشانه‌ها در مسیر دریا انجام شده است.

با بیان این نمونه‌ها در می‌باییم که وقف نقش بسیار مهمی در ایجاد مسئولیت و رشد اجتماعی ایفا می‌کند. از آن‌جا که در کشورهای اسلامی موقوفات فراوانی وجود دارد، در اغلب این کشورها وزارت یا سازمان اوقاف تشکیل شده است.

انتخاب هدف وقف

وقف برای هر منظور و هدف مشروعی صحیح است اما برای اهداف غیرشرعی مانند ترویج فساد، انحراف و گمراهی و کمک به ظلم و ستم صحیح نیست.

مالک آزاد است تا مال خود را برای هر هدف مشروعی وقف کند؛ مانند وقف در خدمت علوم و معارف معینی همچون آموزش معارف دینی یا آموزش پزشکی و مانند اینها، یا وقف برای همه انسان‌ها همچون کمک به فقیران، درمان بیماران، پناه دادن مسافران، و یا وقف برای حفاظت از طبیعت و موجودات همچون راه سازی، غذا دادن به حیوانات و... .

دین اسلام و شارع مقدس به تصمیم واقف احترام می‌گذارد و دستور می‌دهد براساس شرایط و ویژگی‌هایی که واقف تعیین کرده عمل شود. در حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) آمده است: «در وقف براساس شرایط واقف عمل می‌شود». ^(۱) این حدیث یک قاعده و قانون فقهی مشهور به شمار می‌رود. فقهاء نیز بر همین اساس فتوا داده‌اند که در هر وقفی باید براساس آنچه واقف تعیین کرده عمل شود؛ مانند شرایط، ویژگی‌ها، کیفیت، نوع تصرف و نظری را که تعیین کرده است. ^(۲) همچنین در بین فقهاء مشهور است که «شرط واقف مانند نص و دستور شارع است». ^(۳) بنابراین وقتی مسلمانی

۱. الحرج‌العاملى، محمدين حسن، وسائل الشيعه، حدیث شماره ۲۴۳۸۶.

۲. بحضوری، سیدمحمدحسن، القواعد الفقهیه، ج ۴، ص ۲۲۱، چاپ اول ۱۴۱۹ هـ، نشر الهادی، قم.

۳. الرحیلی، وهبی، الفقه الاسلامی و ادله، ج ۸، ص ۱۷۸.

چیزی از دارایی اش را برای کاری که شرعاً حرام نیست وقف کننا وقفس صحیح است و تغییر آن جایز نیست. همچنین از نظر اسلامی اگر غیرمسلمانی براساس دین خود وقفي انجام داد، وقفس صحیح است.

اما در اینجا یک سؤال مطرح است: «اگر وقف قصد قربت ب خدا نکند و منظورش از وقف هدف دنیایی باشد آیا وقفس صحیح است یا خیر؟» در این باره میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد: بیشتر فقهاء معاصر معتقدند در وقف، قصد قربت به خدا شرط نیست و بدون قصد قربت نیز وقف صحیح است. مرحوم آیت‌الله سید محمد‌کاظم یزدی در ملحقات عروة‌الوثقی می‌گوید: «مطابق قول اکثر علماء نظر درست‌تر آن است که به دلیل اطلاق ادله وقف و صحت وقف غیرمسلمان، قصد قربت شرط نمی‌باشد. البته در صورتی وقف ثواب دارد که قصد قربت در آن باشد؛ ولی از آن جایی که کارهای نیک و حسنی حتی بدون قصد قربت به خدا هم ثواب دارد، می‌توان گفت، وقف بدون قصد قربت نیز از ثواب و اجر برخوردار است».

این بیان فقیه عالیقدر که «ثواب بر افعال نیک مترتب می‌گردد حتی اگر قصد قربت در آن نباشد». باید به صورت شایسته‌ای مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در این سخن افق گسترده‌ای وجود دارد که می‌توان در آن، اصل کار خیر و فواید آن و نیز اعتماد به فضل و لطف و کرم خداوند را مشاهده کرد.

از آنجا که دین مقدس اسلام هر هدف مشروعی را در وقف می‌پذیرد، فقهاء همگی اتفاق نظر دارند که وقف برای غیرمسلمان نیز صحیح است؛ مثل وقف برای فقرای مسیحی، یهودی یا دیگر ادیان، درمان بیماران آنها و آموزش فرزندانشان. در این باره مرحوم شهید ثانی در شرح لمعه می‌گوید: «وقف برای اهل ذمہ جایز است؛ زیرا

این کار، گناهی نداشته، نیاز آنان را برآورده می‌کند، چرا که آنان نیز بندگان خدا و انسان‌اند.^(۱)

حتی بعضی از فقهاء از جمله مرحوم آیت‌الله سید محمد‌کاظم یزدی معتقدند: «وقف، احسان و کار نیک برای کافر حرbi نیز جایز است؛ زیرا دستور به خیر و نیکی مشروط به شرطی نشده است.»^(۲) کافر حرbi، غیر‌مسلمانی است که رابطه مسالمت‌آمیز با مسلمانان ندارد، با وجود این، دین اسلام، نیکی و احسان به او را تشویق می‌کند. با این توضیحات به این سؤال می‌رسیم که: «انسان چگونه اهداف وقف را تعیین کند؟»

می‌دانیم که همواره باب نیکی و احسان باز است و راه‌های خیر و خوبی فراوان؛ اما انتخاب هدف و نوع وقف، برگرفته از یکی از موارد زیر است:

۱. واقف در انجام امور خیریه به ثواب و اهمیت وقف در شرع مقدس توجه دارد؛ به همین دلیل است که می‌بینیم انگیزه اصلی بیشتر کسانی که برای هدف معینی وقف می‌کنند، آگاهی آنان از تأکیدات شرع مقدس اسلام درباره فضیلت وقف و یا شنیدن سخنان علماء درباره اجر و ثواب آن می‌باشد.

۲. شناخت کمبودها و نیازهای جامعه؛ شمار زیادی از واقفان، چهره فقر و کمبودها را به چشم خود دیده‌اند و به همین دلیل بخشی از دارایی خود را برای برطرف ساختن این نیازها وقف کرده‌اند.

۳. شناخت و آگاهی نسبت به بعضی امور خاص از جمله: ضرورت پیشرفت علمی، گسترش معارف و حفاظت از محیط زیست؟

۴. وجود فضای خاصی در جامعه سبب بعضی از وقف‌ها بوده

۱. العاملی، محمذن جمال‌الدین مکی وزین‌الدین الجعوی، الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ، ج ۳، ص ۱۸۰، مؤسسة الاعلمی للطبعات، بيروت.

۲. مغنية، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق، ج ۵، ص ۶۷.

است تا با انجام آن، مردم گرد هم جمع شوند.
بدین ترتیب مهم‌ترین انگیزه‌ها، آثار و اهداف وقف را برشمردیه
البته در بعضی جوامع، فرهنگ خاصی وجود دارد که موجب می‌شو
تا افراد، اموال خود را برای اهدافی محدودتر وقف کنند.

وقف اهل بیت (علیهم السلام)

با نگاهی به جوامع اسلامی شیعی در می‌یابیم که اغلب موقوفات شیعه با هدف زنده نگهداشتن نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) است. اگرچه برای اهداف دینی، علمی و انسانی نیز موقوفاتی در جوامع شیعی وجود دارد، اغلب موقوفات شیعیان، به اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه امام حسین (علیه السلام) اختصاص دارد.

در مقاله‌ای از «شیخ محمدبن علی الحرز» در مجله الواحة آمار موقوفات ثبتی در محاکم شیعه در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۹ هـ.ق. ارائه شده است. این آمار نشان می‌دهد تعداد مزرعه، خانه، مغازه و زمین‌های موقوفه با اهداف مختلف وقف به ۳۶۱۹ مورد می‌رسد که ۲۵۶۳ مورد یعنی حدود ۷۰ درصد از آن‌ها برای ائمه اهل بیت (علیهم السلام) وقف شده است.^(۱) انجمان جوانان داوطلب جزیره تاروت در استان قطیف اقدام به جمع‌آوری آمار و اطلاعات موقوفات این جزیره کرد. کار جمع‌آوری آمار از ۱۴۲۵/۲/۵ تا ۱۴۲۶/۶/۱ هـ.ق. طول کشید. در پایان معلوم شد ۲۱۹ مورد انواع وقف صورت گرفته که ۱۵۱ مورد آن یعنی حدود ۶۹ درصد به ائمه معصومین (علیهم السلام) اختصاص دارد.

آقای حسن العوامی از معتمدان قطیف معتقد است که دست کم ۷۵ درصد موقوفات قطیف وقف ائمه (علیهم السلام) شده و از ۷۳۰۰۰ اصله درخت خرمای باغ‌های قطیف ۶۰ درصد آن، یعنی حدود ۵۱۰۰۰ درخت خرما وقف اهل بیت (علیهم السلام) است و هر درخت نیز سالانه به طور متوسط ۲۵ کیلوگرم خرما می‌دهد.^(۲) همچنین

۱. فصلنامه الواحة، مقاله «الوقف في الاحسان: معالم و آفاق»، محمد على الحرز، شماره ۲۹، ص. ۴۱.

۲. همان، مقالة «الوقف في القطيف»، حسن العوامي، شماره ۹، ص. ۱۰۱.

رئیس اداره اوقاف جعفری بحرین نیز اعلام کرد، بیش از ۷۵ درصد موقوفات این کشور، وقف اهل بیت (علیهم السلام) شده است. استقبال گسترده از وقف برای اهل بیت (علیهم السلام) در جوامع شیعه به دلایل ذیل است:

۱. دوستی و ولایت عمیق نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)؛ زیر فرزندان شیعه در هر خانواده‌ای با مهر و محبت امامان (علیهم السلام) پرورش یافته، بزرگ می‌شوند و در جامعه نیز علما و روحانیون در مناسبت‌های مختلف دینی و مذهبی، مردم را با مهر و محبت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) آشنا می‌سازند.

۲. تقرب جستن به خداوند سبحان؛ زیرا زنده نگهداشتن نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) امری محبوب و پسندیده نزد خداوند است و وقف برای ایشان نمونه بارز محبت به آنان به شمار می‌رود؛ خداوند نیز موذّت آنها را واجب فرموده است. همچنین با دستورات قرآن کریم مطابقت دارد که امر فرموده یاد و نام و سیره انبیا و اولیای خداوند زنده نگه داشته شود.

زنده نگهداشتن نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) از سوی شیعیان پاسخی به دستور ایشان نیز به شمار می‌رود؛ امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «امر ما را زنده نگه دارید. خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده نگه دارد». از آن حضرت پرسیدند: «چگونه امر شما را زنده نگه داریم؟» فرمود: «علوم ما را فرا گیرد و آن را به مردم یاد دهد. اگر مردم خوبی‌های سخنان ما را بیاموزند از ما پیروی خواهند کرد». ^(۱)

۳. زنده نگهداشتن نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) به معنای احیای امور دینی در جامعه است؛ بدین گونه که حضور سیره و روش امامان در اذهان و قلوب پیروان آنها به معنای یادآوری اصول و ارزش‌ها بوده و

۱. صدوق، محمدبن علی بن حسین، عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۵، چاپ اول ۱۹۸۴، مؤسسه الاعلمی، للمطبوعات، بیروت.

تأثیر فراوانی در افکار و رفتار آدمی دارد.

۴. اهل بیت (علیهم السلام) با مظلومیت زندگی کردند؛ زیرا از بیشتر حاکمان زمان خود ظلم و تعدی دیده، از حقوق خود بازماندند؛ این مظلومیت یک رابطه عاطفی عمیق میان پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و ایشان به وجود آورده و شیعیان برای مقابله با این مظلومیت در تلاشند تا از راههای مختلف، نام، یاد و سیره امامان را همیشه زنده نگه دارند.

۵. از آن جایی که در طول تاریخ، جوامع شیعی شرایط سختی داشته‌اند، زنده نگهداشتند یاد اهل بیت (علیهم السلام) بخشی از هویت آنان قلمداد می‌شود؛ از این‌رو شیعیان با حفظ ویژگی‌های مذهبی خود می‌کوشند تا از هویت خود دفاع کنند.

۶. وقف برای اهل بیت پشتوانه مالی فعالیت‌های دینی و اجتماعی به شمار می‌رود و واقف دریافت‌ه است که از طریق وقف می‌تواند با فراهم کردن فرصت ارشاد، مردم را به سوی برنامه‌های دینی سوق دهد و برای تربیت و پرورش فرزندان جامعه براساس اصول و عقاید دینی فضایی مناسب ایجاد کند تا نیازهای روحی و معنوی مردم برآورده گردد.

به نظر من، دلایل ذکر شده، مهم‌ترین عوامل توجه شیعه در وقف برای اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود.

اوقاف اهل بیت (علیهم السلام) و چالش‌های معاصر

در جوامع شیعی وقف برای اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به دیگر وقف‌ها در جوامع اسلامی نقش مهم‌تر و بارزتری ایفا می‌کند؛ زیرا در میان شیعیان فعالیت‌های دینی و فرهنگی، با موقوفات و خمس، استقلال مالی پیدا کرده‌اند.

مخارج حوزه‌های علمیه، مرجعیت، برگزاری مراسم دینی و مذهبی و هزینه‌های سخنرانان و مبلغان، همه از درآمد موقوفات و خمس تأمین می‌شود و همین امر، این نهادها و فعالیت‌ها را مستقل ساخته تا به دستگاه‌های رسمی حکومتی وابسته نباشند.

همان گونه که قبلاً اشاره کردیم در جوامع شیعی وقف برای اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به دیگر انواع موقوفات از گستره بیشتری برخوردار است و همان‌طور که در گذشته مناسب با شرایط زمانی خود نقش مهمی داشتند، امروزه نیز باید بتوانند نقش خود را ایفا کنند.

جامعه امروز با چالش‌های فراوانی رویرو است که برای حل مشکلات باید تمام توان و انرژی خود را به کار گیریم. در اینجا لازم است به مهم‌ترین چالش‌های موجود اشاره کنم:

۱. مشکلات فرهنگی و معارف دینی

نسل امروز در یک فضای باز فرهنگی زندگی می‌کند و از راه سریع‌ترین وسایل ارتباطی جدید با طوفانی از معلومات و اطلاعات

روبه رو شده و با پیشرفت تکنولوژی، به جدیدترین نتایج تحقیقات در حوزه علوم انسانی دسترسی دارد؛ از این رونسل حاضر با شباهت فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند، متأسفانه تبلیغات دینی در جامعه ما نیز کاملاً سنتی و قدیمی است و با تحولات روزگار تغییر و پیشرفتی در آن به چشم نمی‌خورد.

شاید یکی از مهم‌ترین علّت‌های ضعف و کوتاهی در زمینه تبلیغات دینی، اقدامات فردی باشد، در حالی که جامعه امروز به سازمان‌هایی نیاز دارد تا در زمینه تبلیغات مسائل دینی بتواند برنامه‌ها، روش‌ها و جهت‌گیری‌ها را تعیین کند و در کنار آن، مراکزی تأسیس شود تا به تربیت مبلغان بپردازد و سطح علمی و فرهنگی آنان را افزایش داده، به روز نماید.

در زمینه وسائل و راه‌های تبلیغ باید اضافه کنم پیشرفت تبلیغات و وسائل ارتباطی، ماهواره‌ها و شبکه اینترنت توانایی فراوانی در جذب افراد در سراسر جهان دارد. در این فضای برگزاری مجالس روضه‌خوانی به تنها‌ی برای تبلیغ و ارشاد کافی نیست.

اکنون می‌پرسم: چگونه می‌توانیم معارف دینی را همگام با پیشرفت روز افزون ارتقا بخشیم؟ چگونه می‌توانیم در برابر دیگر جریان‌ها فرهنگ پایداری ایجاد کنیم؟ و بالاخره چگونه وسائل و راه‌های تبلیغ و فعالیت‌های دینی را توسعه و ارتقا دهیم تا در سایه آن، جوانان را در چارچوب ارزش‌های دینی حفظ کنیم؟

۲. مشکلات اجتماعی

متأسفانه اغلب جوامع شیعی از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند و در این جوامع هر روز دامنه فقر گسترش و فرصت‌ها برای آموزش عالی کاهش می‌یابد که این خود منجر به مشکلات اجتماعی بیشتر می‌گردد.

برای رویارویی با این نابسامانی‌ها باید مؤسسات و مراکز اقتصادی تشکیل دهیم، روحیه کار و تلاش را بالا بریم و سطح آموزش و مهارت‌ها را ارتقا دهیم تا بتوانیم با فقر و تنگدستی در جامعه مبارزه کنیم.

۳. روابط با دیگر جوامع و ملت‌ها

از زمان‌های گذشته به دلیل سیاست‌های طایفه‌گرایانه و گسترش تعصبات مذهبی، در جوامع اسلامی، شیعیان میل به انزوا پیدا کرده، برای دفاع از حملات دیگران حصاری را به دور خود کشیدند و ارتباط آنان با دیگران رو به سستی نهاد. جامعه شیعی باید بتواند شایستگی و کفايت گذشته را به دست آورد؛ اما در تاریخ شیعه و مواضع سیاسی ایشان یک هم‌سویی دیده نمی‌شود.

با کوییدن و محکوم کردن دیگران مشکلات ما حل نمی‌شود. ما باید بتوانیم راه حلی منطقی پیدا کنیم، در محیط زندگی و محیط پیرامونمان با دیگران مشارکت داشته باشیم و در سطح منطقه‌ای و جهانی با دیگران رابطه برقرار کنیم.

مصلحت و منافع جامعه شیعی در این است که با دیگر جوامع، زندگی مسالمت‌آمیز و رابطه حسنی داشته باشد تا بتواند موانع و آثار منفی گذشته را برطرف نماید.

خوشبختانه در سایه تغییر و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز بیداری اسلامی و گرایش به اصلاحات در کشورهای مختلف و آگاهی نسبت به خطرات تهدید کننده کشورهای اسلامی و توجه به وحدت و یک پارچگی مسلمانان، شرایط مناسب و مبارکی برای حل مشکلات پیش گفته فراهم آمده است.

از آن جایی که وقف برای اهل بیت (علیهم السلام) می‌تواند ثروت عظیمی را فراهم کند، قادر است در حل مشکلات موجود در جوامع شیعه نقش مهم و بزرگی ایفا نماید.

دنیا درباره اهل بیت (علیهم السلام) چه می‌داند؟

نخستین وظیفه موقوفه‌های اهل بیت (علیهم السلام) شناساندن و زنده نگاه داشتن نام آن‌ها در میان امت اسلامی و در سطح جهانی است؛ زیرا اگر محقق منصفی درباره زندگانی و میراث امامان معصوم مطالعه کند قطعاً به این نتیجه می‌رسد که اهل بیت (علیهم السلام) ارزش‌های معنوی و معرفتی بزرگی برای بشریت در همه عصرها به شمار می‌روند.

آنان منع الهام معرفت اندیشی بوده و با داشتن درک عمیق و صفاتی باطن و اطلاع دقیق از اصول و احکام دین از شخصیتی ممتاز برخوردار بودند و خداوند آنان را برای ترویج دین و تبیین رسالت‌ش برگزیده است.

میراث به یادگار مانده از امامان معصوم (علیهم السلام) در زمینه مسائل دینی مختص به جوامع اسلامی نیست، بلکه دانش آنان در زمینه علوم طبیعی و انسانی در زمرة معارف بشری قرار دارد؛ همچنین سیره کریمانه و آموزش‌های هدایت‌گرایانه آنان همچون حقوق بشر، اجرای عدالت و رعایت آزادی، از مهم‌ترین پشتونه‌های ارزش‌های پسندیده انسانی به شمار می‌رود که جهان امروز به آن چشم دوخته است.

وقتی که جامعه بشری امروز، نسبت به اندیشه‌های علمی و مواضع اخلاقی، بدون در نظر گرفتن مسائل نژادی و مذهبی احترام خاصی قایل است، اهل بیت (علیهم السلام) که در این زمینه‌ها با تمام شایستگی و کمال اقتدار پیشگام هستند، باید از احترام بیشتری برخوردار باشند.

در میان امت اسلامی نیز اهل بیت (علیهم السلام) از ارزشی دینی برخوردارند که هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم دوستی و محبت آنان را واجب گردانده، می‌فرماید: «[ا] پیامبر] بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان».^(۱) و نص صریح قرآن بر طهارت و پاکی ایشان دلالت دارد و می‌فرماید: «خدا فقط می‌خواهد آلو دگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».^(۲) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به رعایت حق ایشان سفارش کرده، فرمود: «درباره اهل بیت خدا را در نظر داشته باشید».^(۳) همچنین در تشهید نماز در کنار نام پیامبر به ایشان نیز درود می‌فرستیم.

درباره موقعیت بر جسته علمی اهل بیت (علیهم السلام) باید اشاره کنم در زمینه اندیشه و شریعت اسلامی شاگردان زیادی در محضر ایشان بوده و بزرگان مذاهب و علمای امت، روایات بسیاری از آنان نقل کرده‌اند که این به نوبه خود یک ارزش دینی و علمی بزرگ برای امت اسلامی به شمار می‌رود.

در حوزه شیعی نیز یادآوری می‌کنم، اهل بیت (علیهم السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرجعیت دینی شیعه بوده و شیعیان به امامان معصوم تمسک جسته و ارکان و اصول دین را از ایشان گرفته‌اند و سخن ایشان را حجت شرعی می‌دانند.

براساس جایگاهی که اهل بیت (علیهم السلام) در زمینه انسانی به صورت عام و در قلمرو اسلامی به طور خاص و در میان شیعه به طور اخص دارند، سیره و میراث ایشان، گوهر ارزشمندی برای جوامع امروز بشری به شمار می‌رود.

۱. سوری، ۲۳.

۲. احزاب، ۳۳.

۳. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، حدیث شماره ۲۶، چاپ اول، دارالمقنى للنشر والتوزیع، ریاض.

شناخت اهل بیت (علیهم السلام)

میزان استفاده جهانیان از معارف اهل بیت بستگی به آشنایی با سیره و میراث ایشان دارد. امامان معصوم حدود ۲۵۰ سال در میان مردم زندگی کردند و دانش و تجربه اجتماعی خود را برای مردم به جای گذاشتند؛ اما متأسفانه میراث به یادگار مانده آنان در سطح جهانی حضوری بایسته و لازم نداشته و هنوز شخصیت ایشان در محافل علمی ناشناخته است.

در دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی معتبر دنیا نامی از اهل بیت نمی‌برند، و درباره آرا و اندیشه‌های ایشان بحث و بررسی به عمل نمی‌آید.

در زمینه فرهنگی و تبلیغات در سطح بین‌المللی نیز نامی از آنها برده نمی‌شود و درباره نظریات، سیره و مواضع ایشان سخنی به میان نمی‌آید.

مایکل هارت، پژوهشگر، امریکایی کتابی درباره شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ به چاپ رسانده است. نویسنده در این کتاب نام صد تن از شخصیت‌های دینی، علمی و سیاسی را برشمرده که در صدر آنان پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) قرار دارد اما در این لیست نام هیچ یک از امامان معصوم (علیهم السلام) به چشم نمی‌خورد.

متأسفانه حتی در مجامع عمومی اسلامی نیز همین مشکل احساس می‌شود. علی‌رغم موقعیت ممتاز دینی و علمی ائمه (علیهم السلام)

السلام) و شاگردی بعضی از بزرگان مذاهب اسلامی در حضور ایشان،
اغلب دانشگاه‌های اسلامی و مراکز دینی، مذهب اهل بیت را به
رسمیت نمی‌شناسند و مذهب شیعه مانند دیگر مذاهب اسلامی در
آنجا تدریس نمی‌شود.

همچنین در کشورهای اسلامی دستگاه‌های تبلیغی به ندرت نامی
از آئمه و شرح حال و زندگی آنان می‌برند.

با وجودی که جوامع شیعی به دلیل اعتقاد به ولایت اهل بیت (علیهم
السلام) و انتساب به آنها اهتمام فراوانی به ایشان دارند اما همین
اهتمام هم بیشتر در قالب مسایل عاطفی و در خلال برنامه‌های سنتی
نمود پیدا می‌کند.

بزرگداشت شخصیت‌ها

وقتی که از خود می‌پرسیم چرا نام اهل بیت در صحنه جهانی و اسلامی آنچنان که شایسته است، نمود و ظهر ندارد، نخستین پاسخی که در میان دوستداران این خاندان به ذهن می‌رسد، عبارت است از همان دلایل سیاسی و تاریخی که به موضع و رفتار حاکمان زمان ایشان بر می‌گردد؛ زیرا آنان موقعیت و گسترش معارف اهل بیت را خطری جدی برای حکومت خود می‌دیدند. همین موضع‌گیری نیز در تاریخ اسلام موجب شد تا مذاهب مختلف و گرایش‌های تعصب‌گرایانه پدید آید.

این عامل سیاسی در واقع بخشی از تحلیل و تفسیر به شمار می‌رود، به نظر من بخش مهم‌تر آن، به دوستداران و محبان اهل بیت بر می‌گردد که در زنده نگاه داشتن نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) دانسته یا ندانسته کوتاهی کرده‌اند.

اگرچه تلاش‌های زیادی در زمینه پژوهش در زندگی ائمه و نشر معارف ایشان صورت گرفته اما در مقایسه با عظمت اهل بیت و میراث به جای مانده از آنها، این اقدامات بسیار ناچیز به نظر می‌آید؛ حتی اگر کارهای انجام شده را با تلاش دیگر جوامع درباره شخصیت‌ها و اسطوره‌های خود مقایسه کنیم می‌بینیم کار ما درباره اهل بیت بسیار اندک و ناچیز است. برای روشن‌تر شدن موضوع چند مثال می‌آورم:

ویلیام شکسپیر، نمایشنامه‌نویس و شاعر انگلیسی (۱۵۶۴-۱۶۱۶م).

در طول زندگی اش علاوه بر مجموعه شعر و قصیده، سی و هفت نمایش نام نوشت. اکنون سالانه بیش از ۵۴۷۵^(۱) پژوهش و مقاله درباره او منتشر می‌شود و قدیمی‌ترین دانشگاه‌های بریتانیا همیشه چاپ‌های جدیدی از نمایشنامه‌های او را عرضه می‌کنند. در اوایل دهه هشتاد دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد چاپ جدیدی از آثار این نمایشنامه‌نویس را عرضه کردند که آخرین تحقیقات درباره متون این آثار به وسیله کامپیوتر انجام شده بود.^(۲)

در سال ۱۹۳۰ میلادی در ایالات متحده امریکا در واشنگتن از سوی هنری کلای فولجر، رئیس سابق شرکت نفتی استاندارد اویل، کتابخانه اختصاصی شکسپیر با نام فولجر تأسیس شد. نامبرده اموال خود را برای تأسیس چنین کتابخانه‌ای وقف کرد. در این کتابخانه بیش از ۲۲۵۰۰ جلد کتاب جمع‌آوری شده که هر ساله محققان از سراسر دنیا برای استفاده از آن راهی امریکا می‌شوند.^(۳)

درباره زندگی و ارتباطات ویژه لورد بایرون (۱۷۸۸-۱۸۲۴ م.) دیگر شاعر انگلیسی تاکنون بیش از ۳۰۰ کتاب نوشته‌اند. یکی از این نوشته‌ها، کتاب سلی مارجانت بود که در دهه پنجاه در سه جلد به چاپ رسید.

لورد بایرون در لندن متولد شد و در یونان وفات یافت. اعمال و رفتار و زندگی خانوادگی او آکنده از نابسامانی است. ازدواج او بیش از یک سال دوام نیافت و با خواهر ناتنی خود و دیگران روابط نامشروع داشت.^(۴)

به امین الريحانی (۱۸۷۶-۱۹۴۰ م.) ادیب مسیحی لبنانی نیز توجه فراوانی کرده‌اند. بخش آرشیو و اسناد موزه الريحانی در

۱. مجله المتدی، دبی، شماره ۱۷۶، ص ۵۰.

۲. الموسوعة العربية العالمية، ج ۱۴، ص ۲۲۲، ۲۳۲، چاپ دوم ۱۹۹۹، مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر والتوزيع، رياض.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۱۹.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۵۸.

الفريکه لبنان آمار آثار موجود درباره اين اديب را تا سال ۱۹۹۵ يعني حدود نيم قرن بعد از وفات او چنین اعلام کرد: ۶۷ کتاب و بيش از ۶۷۵۰ مقاله و منبع درباره او نوشته شده است. همچنین يکصد جلد كتاب وجود دارد که يك فصل يا بخشی از آنها درباره الريحاني مطلب دارند. اين آثار در ۴۴ کشور و به ۲۶ زبان نوشته شده‌اند.^(۱)

حتى کسان ديگري هستند که توجه بيشرى به آنها شده و آثار بيشرى درباره آنها منتشر شده است. بدین ترتيب می‌بینیم که ديگر ملت‌ها و جوامع چگونه به شخصیت‌های خود اهمیت می‌دهند و چقدر در گسترش و زنده نگاه داشتن نام آنها تلاش می‌کنند؛ وقتی اين آمار و ارقام را با تعداد آثار منتشر شده درباره اهل بيت (عليهم السلام) مقایسه می‌کنيم، درمی‌يابيم که اگرچه زمان زيادي از زندگاني آنان می‌گذرد، برای احیای امر آنان و معرفی زندگی و ميراث آنان چه قصور و يا تقصیری صورت گرفته است.

آثار انتشار یافته درباره اهل بیت^(علیهم السلام)

شیخ عبدالجبار رفاعی، پژوهشگر عراقي، مجموعه‌اي دوازده جلدی را با عنوان «مجموعه نوشته‌ها درباره پیامبر^(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت^(علیهم السلام)» تهیه کرده که در آن، به آمار و عنایون کتاب‌ها و تحقیقات درباره اهل بیت^(علیهم السلام) در طول چهارده قرن اشاره کرده است.^(۱) تعداد کتاب‌ها و مقالات درباره هر یک از مucchومان^(علیهم السلام)

به شرح ذیل است:

فاطمه زهراء^(علیها السلام) ۵۴۶

امام علی^(علیه السلام) ۴۹۵۶

امام حسن^(علیه السلام) ۲۰۵

امام حسین^(علیه السلام) ۳۲۱۵

امام سجاد^(علیه السلام) ۳۹۹

امام باقر^(علیه السلام) ۶۹

امام صادق^(علیه السلام) ۳۳۱

امام کاظم^(علیه السلام) ۲۱۱

امام رضا^(علیه السلام) ۶۵۱

امام جواد^(علیه السلام) ۶۲

امام هادی^(علیه السلام) ۷۹

امام حسن عسکري^(علیه السلام) ۶۶

امام مهدی^(علیه السلام) ۱۱۴۵.

۱. الرفاعي، عبدالجبار، معجم ما كتب عن الرسول و اهل البيت، چاپ اول ۱۳۷۱ هـ. ش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران.

ملاحظه می شود آمار ارائه شده نسبت به بعضی از امامان مانند اما
باقر (علیه السلام) بسیار اندک است، در حالی که ایشان به لحاظ موقعیت
علمی و معرفتی، باقرالعلوم(شکافنده علوم) لقب گرفته و پایه گذا
مباحث عقیدتی و فقهی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) هستند اما متأسفان
آمار آثاری که در این مجموعه درباره زندگی و میراث علمی ایشان
ارائه شده از ۶۹ مورد تجاوز نمی کند. همچنین است درباره برخی
دیگر از ائمه همچون امام جواد (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام)
و امام حسن عسگری (علیه السلام) ۶۶ مورد.

آمار و ارقام نوشته ها را مشاهده کردیم؛ از نظر کیفیت نیز باید
اشاره کنم که این آثار از عمق علمی و تحلیل جدی و اساسی درباره
سیره، اندیشه ها، و مواضع ایشان برخوردار نیستند و بیشتر به مسائل
تاریخی، عاطفی و بیان فضیلت ها و مصیبت های امامان (علیهم السلام)
پرداخته اند.

بعاد مهم سیره اهل بیت (علیهم السلام) هنوز کاملاً تبیین نشده و
مجھول باقی مانده است و باید درباره آن تحقیق و پژوهش به عمل
آید. تلاش و کوشش فقهای شیعه نیز معمولاً مربوط به مسائل فقهی
است که از اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است.

بعضی از علمای متقدم شیعه به نوشتن کتاب درباره سیره و تاریخ
زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) همت گمارده اند؛ مانند: کتاب الارشاد فی
معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶ هـ. ق.) و کتاب
عيون اخبار الرضا (علیه السلام) شیخ صدق (۳۸۱-۳۰۶ هـ. ق.). اما این
تلاش ها از سوی علمای بعد از ایشان ادامه نیافت مگر بسیار اندک
مانند: مرحوم مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱ هـ. ق.) که کتاب بحار الانوار
الجامع لدرر اخبار الائمه الاطهار را تألیف کرد.

شمار اندکی از پژوهش های تاریخی، زندگانی و شرایط اجتماعی
زمان ائمه (علیه السلام) را به روش علمی بررسی کرده اند. با توجه به

اهمیت شناخت آرا و موضع اهل بیت، زمانی می‌توان به شناخت درست و صحیح دست یافت که شرایط و فرصت‌های اجتماعی و محیطی زمان آنان را کاملاً بشناسیم.

درباره روایات و احادیث ائمه که میراثی گران‌بها به شمار می‌رود باید بگوییم که علی‌رغم تلاش‌های فراوانی که برای جمع‌آوری آنها صورت گرفته، اسناد روایات به بررسی و تحلیل بیشتری نیاز دارد. سپس باید با توجه به تجربیات بشر در هر رشته علمی، روایات بررسی شود تا آرا و اندیشه‌هایی را که اهل بیت (علیهم السلام) در زمینه‌های مختلف به بشر ارائه کرده‌اند دریابیم.

جهان معاصر در صورتی می‌تواند به آشنایی با اهل بیت (علیهم السلام) دست یابد که سیره و میراث گران‌بها ایشان به زبان‌های علمی زنده و رسمی جهان عرضه شود؛ مانند: انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ژاپنی و غیره. اما در این زمینه ناتوانی شدید و قصوری آشکار به چشم می‌خورد؛ زیرا اغلب نوشته‌ها درباره اهل بیت (علیهم السلام) به زبان عربی و فارسی است.

آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی درباره قصور و تقصیر در ارائه سیره و میراث اهل بیت می‌گوید:

«باید یادآور شویم که حیات اولیای الهی، به سان جهان طبیعت، ابعاد بس گسترده‌ای دارد که هرچه درباره آن نوشته شود، باز سرزینه‌های ناشناخته و کاوش‌نیافته‌ای وجود خواهد داشت.

گذشته از این، غالب آثاری که در باب پیشوایان نگارش یافته، از قبیل فضائل نگاری، مناقب نویسی و گردآوری معجزات و کرامات، و بالاخره نقل حوادث زندگی آنان به صورت خشک و به دور از تحلیل است و در این میان، تعداد کتابهای تحلیلی که بتواند پژوهشگران کنگما و امروزی را اشیاع کند اندک است و بعضی از این آثار از نظر نگارش و قلم در انتظار نیست. البته، در زبان عربی و شاید فارسی،

حق مطلب درباره برخی از پیشوایان مانند امیرمؤمنان علی^(علیه السلام) و یا سالار شهیدان حسین بن علی^(علیه السلام) تا حدودی ادا شده است، اما درباره اکثر پیشوایان، خلاً وجود یک تحقیق عمیق و جامع، محسوس است.

متأسفانه باید به این حقیقت تلغی اذعان کرد که نه تنها مردم عادی از سیره سیاسی و اخلاقی و علمی حضرت جواد^(علیه السلام) و یا حضرت هادی^(علیه السلام) و حضرت عسکری^(علیه السلام) اطلاع ندارند، بلکه غالب گویندگان و نویسندهای نیز در این زمینه‌ها فاقد اطلاعات کافی‌اند. همچنین نوع زندگی و چگونگی موضوع‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی امام معصوم، زمانی برای ما بهتر روشن می‌گردد که از شرایط خاص و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی زمان آن بزرگواران آگاه باشیم. چه، می‌دانیم که ائمه اطهار^(علیهم السلام) خط مشی اجتماعی، مواضع سیاسی و شیوه مبارزاتی خویش را براساس سنجش دقیق اوضاع و احوال و شرایط زمانی، ارزیابی امکانات و مقتضیات و محدودرات، و متناسب با برخوردها و جبهه‌گیری‌های مخالفان اسلام، تنظیم می‌کردند. بنابراین مدام که شرایط و اوضاع ویژه آن روزگار آشنا نباشیم، سیره ائمه برای ما مفهوم دقیق و واقعی خود را پیدا نمی‌کند».^(۱)

۱. پیشوایی، مهدی، سیره الائمه، ص ۲۳، چاپ اول ۱۴۲۳ هـ، مؤسسه امام صادق^(علیه السلام)، قم.

موانع ایفای نقش مطلوب

آیا موقوفات اهل بیت (علیهم السلام) می‌تواند وظیفه اساسی خود را انجام دهد؟ آیا نقشی مطلوب ایفا می‌کند؟ چگونه می‌توانیم با تهدیدات و چالش‌های جامعه اسلامی شیعی مقابله کنیم؟ اگر می‌خواهیم وقف اهل بیت (علیهم السلام) در این عصر و زمان در خدمت رسالت این بزرگواران درآید، باید از دو مانع اساسی عبور کنیم.

مانع اول: فقدان تشکیلات اداری

هنوز هم بیشتر موقوفات از سوی متولیان به صورت انفرادی اداره می‌شود؛ زیرا متولی یا خود واقف است و یا مانند اغلب موقوفاتِ جدید، کسی را متولی قرار داده و یا تولیت، موروثی شده و معمولاً هم به پسر یا برادر متولی به ارث می‌رسد؛ حتی گاهی واقف سلسله متولیان را نیز معین کرده است؛ اما اگر متولی نداشت اداره آن به عهده حاکم شرع و وکیل مرجع دینی است.

همچنین شیعیان تمایل شدیدی دارند که موقوفاتشان مستقل باشد، نه وابسته به سازمان‌های رسمی اوقاف؛ حتی مراجع دینی شیعه نیز در مناطق مختلف عهده‌دار تصدی اداره موقوفات نیستند و مسئولان مذهبی محلی نیز مؤسسه‌ای برای اداره موقوفه‌ها در اختیار ندارند. این وضعیت سبب شده تا موقوفه‌ها از هم پراکنده گردد و متولیان نیز در اداره آن‌ها به صورت فردی عمل کنند. نیک می‌دانیم

که متولیان نیز در امر امانتداری، تلاش و کوشش، سطح آگاهی و قدرت مدیریت یکسان عمل نمی‌کنند.

ضرورت دارد تا در هر منطقه‌ای برای حفظ و نظارت بر مدیریت موقوفات و برنامه‌ریزی جهت توسعه و گسترش آن‌ها مؤسسه‌ای تشکیل شود.

امروزه وقف، رسالت مطلوب خود را انجام نمی‌دهد و حتی گاهی از بین می‌رود و یا به درآمد آن‌ها دستبرد نیز می‌زنند. بهترین و خوش‌بینانه‌ترین وضعیتی که می‌توانیم تصور کنیم این است که موقوفه‌ها را کد مانده‌اند و فقط بعضی از نقش‌های سنتی خود را ایفا می‌کنند.

تأکید می‌کنم برای اینکه وقف بتواند در خدمت دین و جامعه قرار گیرد، حتماً باید سازمانی برای آن وجود داشته باشد که از سوی حکومت از مشروعیت رسمی و قانونی برخوردار گردد و از نظر دینی نیز علمای محلی شیعه بر آن اشراف و نظارت داشته باشند.

در بعضی از کشورهای عربی چنین سازمانی تشکیل شده است؛ در بحرین به دستور شیخ سلمان بن حمد آل خلیفه، امیر سابق این کشور، قانون وقف جعفری در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۲ هجری برابر با ۱ ژانویه ۱۹۶۰ میلادی ابلاغ شد. همچنین طی حکمی از سوی امیر سابق دبی، شیخ راشد بن سعید آل مکتوم، شورای وقف امور خیریه جعفری در این امیرنشین در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۹ هجری مطابق با ۱۹۷۱/۱۲/۲۷ میلادی تشکیل شد. اخیراً هم در کویت به موجب تصویب شورای وزیران به شماره ۸۷۴ در تاریخ ۲۰۰۲/۸/۱۸ میلادی سازمان وقف جعفری تأسیس شد.

امیدواریم برای شهروندان شیعه در دیگر کشورهای اسلامی مانند قطر، عمان، سوریه و عربستان نیز چنین سازمان‌هایی تشکیل شود.

مانع دوم: تفکرات سنتی و کهنه

از آن جایی که پاییندی به نیت واقف در موارد تعیین شده از سوی او ضرورت دارد، بیشتر موارد وقف اهل بیت (علیهم السلام) در برنامه‌های موروثی، مانند عزاداری و اطعام در مجالس ائمه (علیهم السلام) صرف می‌شود.

البته باید به نیت واقف پاییند بود و عمل برخلاف آن صحیح نیست؛ اما در اینجا یک نکته وجود دارد: آیا عمل به مقصود واقف به همین مصداق‌ها و روش‌های متداول زمان او محدود می‌شود یا خیر؟ آیا برای برآورده کردن مقصود و نیت واقف در همان چارچوب معین، آزادی عمل نیز وجود دارد؟

مثلاً اگر وقفی برای فقر و مساکین انجام شده است، تعیین میزان و سطح فقر در هر زمان و مکانی فرق می‌کند. همچنین وقتی که برای اهل بیت (علیهم السلام) وقفی شده، عمل به نیت و مقصود واقف لازم است اما راهها و مصداق‌های رسیدن به مقصود واقف قابل تغییر و دگرگونی‌اند. آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعیان می‌گوید: «اگر برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) وقف شود، صرف احیای نام و اعتلای مقام ایشان می‌گردد؛ مانند برگزاری مجالس روضه‌خوانی برای بیان فضایل و مناقب آن‌ها و بیان ظلم و ستمی که به ایشان رفته و موارد دیگری که موجب آگاهی نسبت به مقام رفع ایشان می‌شود».^(۱)

وقف‌های فراوانی به نام مقدس اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد، اما معمولاً استفاده از آن‌ها به برنامه‌های سنتی منحصر است؛ مانند برگزاری مجالس روضه و اطعام در مناسبت‌های خاص مربوط به ایشان؛ در حالی که می‌توان از این ثروت عظیم برای احیای نام اهل بیت (علیهم السلام) و گسترش میراث آن‌ها در سطح جهانی استفاده کرد؛

۱. سیستانی، علی الحسینی، مهاج الصالحين، جلد ۲، مسئله ۱۵۴۷، ۱۵۴۷ هـ، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ، دفتر آیت‌الله سیستانی، قم.

البته به شرطی که بینش متولیان این موقوفات متوجه این دغدغه‌ها و جهت‌گیری‌ها نیز باشد.

هنوز هم تاریخ زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) به بررسی و پژوهش نیاز دارد و در سیره هر امامی مواضع مهمی هست که نیازمند تحقیق و روشن شدن است.

با توجه به پیشرفت روش‌های تحقیق علمی، تلاش و اقدامات فردی در این زمینه به جایی نمی‌رسد؛ حتی برای بررسی همه جانبه زندگانی هر یک از امامان، به مراکز تخصصی نیاز داریم.

همین طور امروزه ایجاد کرسی درسی با نام اهل بیت (علیهم السلام) در دانشگاه‌های علمی دنیا به منظور بررسی آراء و عقاید ایشان امری مطلوب و ضروری به نظر می‌رسد که باید بر آن اصرار ورزید. آیا جای تأسف نیست که با وجود این همه ثروت وقفی که به نام هر امام وجود دارد، هنوز یک مؤسسه تحقیقاتی و علمی برای ایشان تأسیس نشده تا به تحقیق درباره زندگی و احیای نام آن بزرگواران پیرداد؟

پیشرفت وسائل تبلیغاتی و ارتباطی، فرصت مناسبی را برای نشر معارف و میراث اهل بیت (علیهم السلام) فراهم ساخته است. امروزه امت مسلمان برای پیدا کردن راه نهضت و رهایی، شدیداً نیازمند آشنایی با سیره اهل بیت و آموزه‌های هدایت‌گرایانه ایشان است. همچنین جویندگان ارزش‌های انسانی و پژوهشگران معرفت و اندیشه در سطح جهانی، شوق و عطش فراوانی برای مطالعه میراث اهل بیت (علیهم السلام) دارند.

کمترین کار ممکن، ایجاد سایت‌های اینترنتی ویژه هر امام است تا سیره، معارف و میراث آن حضرت را عرضه کند؛ و در سطح پیشرفته‌تر ناگزیر از ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده از آن، به ویژه در ایام و مناسبت‌های مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) هستیم.

صرف هزینه برای چنین برنامه‌هایی از محل درآمد موقوفه‌هایی که به صورت مطلق به نام یکی از امامان وقف شده، نه تنها هیچ اشکال شرعی ندارد، بلکه از بارزترین مصادیقی است که مرجع تقلید حضرت آیت‌الله سیستانی نیز به آن اشاره دارد و می‌فرماید: «اگر برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) وقف شود، صرف احیای نام و اعتلای مقام آنان می‌گردد».

بعضی از موقوفه‌ها برای مقاصد و اهداف محدودتری وقف شده‌اند؛ مانند برگزاری عزاداری و اطعام در مناسبتی خاص. در این جا نیز باید به دنبال این باشیم که چگونه می‌توان ضمن برآوردن مقصودی خاص و معین، میزان و راههای استفاده از آن را گسترش دهیم مثلاً شاید بتوان در صورتی که امکانات وقف اجازه دهد، وقف با عنوان «اطعام» را این گونه توسعه بخشد که علاوه بر پذیرایی و اطعام از شرکت‌کنندگان در یک مجلس و مناسبت، همزمان، در همان مجلس، فقیران جامعه را نیز اطعم کرد.

همچنین اگر واقف، مکان خاصی را معین نکرده باشد، ممکن است بتوانیم عنوان برگزاری مجالس عزاداری را توسعه دهیم تا تمام مناطق جهان را شامل شود، و یا مجلس روضه را در همان مکان تعیین شده برگزار کنیم ولی با ابزار پیشرفته تبلیغاتی، مراسم را برای دیگر مناطق نیز پخش کنیم. همچنین اگر برای حسینیه معینی وقفی شده باشد، می‌توانیم با ایجاد کتابخانه در آنجا، راهاندازی سایت اینترنتی به نام آن حسینیه، برگزاری کنفرانس و همایش در آنجا، چاپ مجله، نشریه و چیزهای مشابه، برنامه‌های آن را گسترش دهیم.

درآمد بعضی از موقوفه‌ها چنان زیاد است که هزینه کردن کل آن در قالب برنامه‌های سنتی و معمول امکان‌پذیر نیست؛ حتی بعضی از مجالس عزاداری فقط به منظور برائت ذمه و بدون هیچ فایده‌ای

برگزار می‌گردد. یکی از متولیان وقف در قطیف به من می‌گفت فقط ۲۰ درصد از درآمد حسینیه زیر نظر من صرف هزینه‌های آزاد شود و بقیه درآمد آن از چندین سال پیش در بانک‌ها را کد مانده است.

برخی از مجالس را سراغ دارم که در وقت نامناسبی مثل صبح زود یا آخر شب برگزار می‌شود؛ زیرا متولی وقف، خود را ملزم به برگزاری مجلس در این زمان می‌داند و تلاش می‌کند به هر شکل ممکن امر واجبی از گردنش ساقط گردد.

در منطقه ما مجالس مشابه زیادی همزمان با یکدیگر برگزار می‌شوند و چه بسا بعضی از آنها قابل استفاده هم نباشد، در حالی که دیگر مناطق به دلیل نداشتن امکانات عطش زیادی برای چنین مجالسی دارند.

در برخی جوامع نیز به هنگام اطعام در مناسبت‌های دینی، اسراف و تبذیر زیادی به چشم می‌خورد؛ زیرا مقصود فقط اجرای لفظ وقف است، در حالی که در همان جامعه، خانواده‌های فقیری هستند که به دلیل شدت نیاز به اندکی غذا، به سطل‌های زباله روی می‌آورند.

با این توصیف اگر در مورد توسعه وسایل و برنامه‌های استفاده از وقف اهل بیت^(علیهم السلام) شک و تردید داریم می‌توانیم با مراجعه به مراجع تقليد از نیازهای واقعی اطلاع پیدا کنیم و با راههای استفاده از وقف آشنا شویم و از احکام شرعی که ما نیز به اجرای آن اصرار داریم، مدد جوییم.

امیدواریم سازمان‌هایی که مدیریت و اداره اوقاف جعفری را به عهده دارند، تجربه‌ای موفق و الگویی شایسته را در این زمینه ارائه دهند تا راه را برای تحقق دیگر تلاش‌ها هموار سازند.

ضرورت بودجه مناسب برای توسعه فرهنگی

انتخاب موضوع «ساختار جامعه علمی» در گزارش «توسعه انسانی عربی» سال ۲۰۰۳ م. موضعی کاملاً شایسته بود؛ زیرا فراگیری، تولید و به کارگیری دانش و معرفت در آغاز قرن بیست و یکم تنها وسیله مناسب برای توسعه نیروی انسانی در همه زمینه‌ها به شمار می‌رود و دانش است که غالباً مزد میان توانایی و ناتوانی، قدرت و ضعف، سلامتی و بیماری و ثروت و فقر را ترسیم می‌کند.

همین گزارش تأکید می‌کند که در کشورهایی که از ضعف قدرت تولید و فقدان فرصت‌های توسعه رنج می‌برند، فقر دانش و رکود علم حکم فرماست. مؤسسات اقتصادی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول نیز اعلام کرده است که امروزه پیشرفت علم به عنوان عامل اصلی، سرنوشت کشورها را رقم می‌زند.

در کشورهای عربی و اسلامی، عقب‌ماندگی در حوزه دانش و فرهنگ عامل عدم پیشرفت در دیگر زمینه‌ها نیز به شمار می‌رود. تمدن اسلامی بر پایه امر به کسب دانش و معرفت استوار است و در قرآن کریم با جمله «بخوان» این دستور به پیامبر داده شده و احابت همین دستور، دستاوردهای تمدن اسلامی را فراهم ساخت. اما از زمانی که اهتمام به کسب علم سست شد و مسلمانان از این دستور اسلام سر بر تافقند، تمدن نیز رو به افول نهاد و دستاوردهایش از میان رفت و امت مسلمان عقب ماند، در حالی که دیگر ملت‌هایی که راه علم و دانش را پیمودند، از ما پیشی گرفتند.

سنت خداوند اقتضا دارد که اهل علم و معرفت بر جاهم برتیری داشته باشد؛ «بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ فقط خردمندانند که پندپذیرند».^(۱)

«و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز سنت خدا دگرگونی نخواهد یافت».^(۲)

پرکردن شکاف عمیق و پیمودن فاصله طولانی میان ما و کشورهای پیشرفته، تنها با ایجاد جامعه علمی، کسب قدرت علمی و اصلاح نقاط ضعف فرهنگی میسر می‌شود.

علایم و نشانه‌های نقاط ضعف در زمینه‌های مختلف فرهنگی جامعه بی‌شمار است. گزارش ذیل به بعضی از این شواهد اشاره می‌کند:

تعداد روزنامه در کشورهای عربی در مقایسه با کشورهای پیشرفته بسیار اندک است؛ در کشورهای عربی برای هر ۱۰۰۰ نفر ۵۳ نسخه روزنامه و در ممالک پیشرفته برای همین تعداد، ۲۸۵ روزنامه وجود دارد.

همچنین در مناطق عربی برای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۸ کامپیوتر وجود دارد، در حالی که متوسط جهانی ۳/۷۸ کامپیوتر برای هر ۱۰۰۰ نفر است.

على رغم این که جمعیت عرب ۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد انتشار کتاب در این کشورها به ۱/۱ درصد نشر جهانی هم نمی‌رسد.

با وجودی که ۲۸۴ میلیون نفر عرب در ۲۲ کشور به زبان عربی سخن می‌گویند، شمارگان کتاب‌های قصه یا رمان به زبان عربی بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه است، در صورتی که کتابی موفق به شمار می‌رود که شمارگان آن دست کم ۵۰۰۰ نسخه باشد.

۱. زمر، آیه ۹.

۲. فاطر، آیه ۴۳.

ترجمه که یکی از راههای نشر معارف و ارتباط با جهان است، هنوز در کشورهای عربی در رکود و هرج و مرج به سر می‌برد. متوسط کتاب‌های ترجمه شده در پنج سال اخیر برای هر یک میلیون نفر ساکن کشورهای عربی ۴/۴ کتاب است؛ حتی سالانه هر یک میلیون نفر از یک کتاب ترجمه شده نیز برخوردار نیستند در حالی که این رقم در مجارستان به ۵۱۹ کتاب و در اسپانیا به ۹۲۰ می‌رسد.

علی‌رغم این که شمار کتاب‌های ترجمه شده در جهان عرب در خلال سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۵ میلادی از ۱۷۵ به ۳۳۰ عنوان کتاب رسیده، اما همین تعداد، فقط یک‌پنجم ترجمه‌های سالانه یونان است.

اگر تعداد کتاب‌های ترجمه شده را از زمان مأمون تاکنون در نظر بگیریم حدود ۱۰۰۰۰ کتاب خواهد شد که این رقم با شمار ترجمه کتاب یک سال اسپانیا برابر می‌کند.

مسئولیت بیداری

دکتر شاکر مصطفی، بیشترین مسئولیت عقب ماندگی و ضعف

علمی و فرهنگی در کشورهای عربی را متوجه حکومت‌ه می‌داند. وی اختصاص اندک بودجه در این زمینه، سوء مدیریت و برنامه‌ریزی، ایجاد موافع در برابر آزادی‌های فکری و حرکت‌های علمی را نمونه‌هایی از این تجاهل و اهمال از سوی حکومت‌ه می‌داند. دکتر شاکر مصطفی، اندیشمند و مورخ سوریه که زمانی سرپرست سازمان تربیت، فرهنگ و علوم دانشگاه کشورهای عربی بود می‌گوید: سازمان معتقد بود که در سال ۱۹۸۲ میلادی با تهییم یک برنامه فرهنگی عربی، سیاست‌های فرهنگی آینده را ترسیم نماید. برای این کار، هفده نفر متخصص فرهنگی را از هفده کشور عربی برای تهییم چنین برنامه‌ای برگزید، کار آنان حدود چهار سال طول کشید، دو میلیون دلار هزینه برداشت، ۲۹ سمینار برگزار شد، در هر سمینار ۲۵ متخصص رشته‌های علوم انسانی در رشته‌های مختلف، از موسیقی گرفته تا روزنامه‌نگاری و مسایل دینی و علمی شرکت می‌کردند. تمام بحث‌ها را شخصاً خلاصه و در پنج جلد جمع‌آوری کردم که تا به امروز در قفسه‌ها خاک می‌خورد!! تلحی‌هایی که کشیدم به دلیل سختی و انبوه کار نبود، بلکه به سبب رنج و آزاری بود که از دولت‌های عربی دیدم؛ آنها آمار و ارقام ویژه را در اختیارمان نمی‌گذاشتند، ناچار می‌شدم تا فرستاده مخصوصی را نزد آنان بفرستم اما او هم کاری از پیش نمی‌برد، حتی خیلی وقت‌ها خودم ناچار می‌شدم به این کشورها بروم، ولی با انبوهی از تشریفات اداری و بوروکراسی روپرتو می‌شدم که می‌توانست طرح ما را از اساس نابود کند. بالاخره وزرای فرهنگ دولت‌های عرب بدون مطالعه طرح، آن را تصویب کردند و پس از آن هم تا به حال هیچ یک از مسئولان، آن را نخوانده‌اند.^(۱)

اما این مسئولیت فقط متوجه حکومت‌ها نیست، بلکه جنبش

فرهنگی و علمی، اقدامی شایسته و حرکتی اجتماعی را می‌طلبد، به ویژه از سوی علما و فرهیختگان، مردان کار و صاحبان ثروت. در کشورهای پیشرفته، بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در این عرصه سهیم‌اند. ثروتمندان و مؤسسه‌های مدنی حدود ۵۰ درصد مخارج پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی را تأمین می‌کنند؛ اما در کشورهای عربی این رقم از ۳ درصد بودجه اندک تحقیقات علمی تجاوز نمی‌کند.

روزنامه کریستین ساینس مانیتور امریکا در اول ژانویه ۱۹۹۷ میلادی نوشت:

یک شهروند امریکایی که نخواست نامش فاش شود ۳۵ میلیون دلار برای دفاع از تمدن، آداب و سنت‌های پسندیده کشورش اهدا کرد. وی این مبلغ را به مرکزی در ایالت ماساچوست فرستاد که برنامه‌هاییش جلوگیری از کجروی‌های اخلاقی و رفتاری جامعه امریکا است. به نظر این شهروند امریکایی این مؤسسه می‌تواند آرزوهای او را تحقق بخشد؛ از این‌رو این پول فراوان را در اختیار آنان قرار داد.^(۱)

نمونه دیگر، اقدام پروفسور محمد عبدالسلام، دانشمند فیزیک پاکستانی است؛ نخستین مسلمانی که در سال ۱۹۷۹ میلادی به جایزه نوبل دست یافت. وی کتابی دارد به نام آرزوها و حقایق. او در این کتاب می‌نویسد که به دنبال تأسیس یک مرکز بین‌المللی فیزیک نظری بود تا دانشمندان جهان سوم از آن استفاده کنند. تنها مکانی که برای تحقق آرزویش پیدا می‌کند شهر «تریستا» در ایتالیا است. شورای این شهر با اختصاص ۴۰ میلیون دلار برای انجام پژوهش وی را غافلگیر می‌کند. ثروتمندان شهر نیز او را برای نجام چنین کاری تشویق و هزینه مورد نیازش را تأمین می‌کنند.

دکتر عبدالسلام همچنین نقل می‌کند: « مؤسسه کیک » که از سوی یک خانواده ناشناس امریکایی تأسیس شده، ۷۰ میلیون دلار برای ساخت بزرگ‌ترین تلسکوپ جهان به قطر ۱۰ متر به مرکز تکنولوژی کالیفرنیا هدیه کرده است.

دکتر عبدالسلام پس از بیان این موضوع می‌پرسد: ثروتمندان کشور ما کجا هستند؟ چرا آنها خود را از چنین کارهای مهم و پسندیده‌ای که ثروتمندان در دیگر نقاط جهان انجام می‌دهند کنار می‌کشند؟

چنین روحیه‌ای در میان ثروتمندان امت اسلامی در گذشته فراوان بوده است و از همین راه، مسلمانان به چنان پیشرفته نایل شدند که تاریخ درباره دستاوردهای علمی، تمدنی و انسانی آن سخن می‌گوید.

در گذشته، سنت وقف برای امور خیریه در همه جوامع اسلامی جاری بود؛ از جمله: ساخت مدارس، درمانگاه، کتابخانه، مهمانخانه برای مسافران، و از همین طریق در مسیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی خرج می‌شد.

در زندگی نامه شریف مرتضی علی بن حسین موسوی (۳۵۵-۴۳۶ هـ.ق) نوشته‌اند که تمام یک مزرعه کشاورزی را به منظور تهیه کاغذ برای فقهاء و طلاب وقف کرده است.^(۱)

در گذشته نزدیک نیز در مصر فاطمه‌بنت خدیوی اسماعیل ۳۳۰۰ جریب زمین را وقف کرد تا درآمد آن خرج دانشگاه شود. همچنین شش جریب زمین را برای بنای ساختمان دانشگاه وقف کرد، که دانشگاه قاهره در آنجا ساخته شده. علاوه بر این‌ها ۱۸ هزار لیره طلا در سال ۱۹۱۳ م. برای هزینه‌های دانشگاه هدیه کرد.

همچنین امیر یوسف کمال ۱۲۵ جریب زمین را برای دانشگاه

۱. دیوان شریف مرتضی، مقدمه شرح حال، ص ۵۰-۵۱.

وقف کرد و در اوایل قرن بیستم دانشکده هنرهای زیبا را ساخت و نخستین فارغ‌التحصیلان این دانشکده را با خرج خودش در قالب گروهایی به ایتالیا و فرانسه اعزام کرد. مصطفی کامل الغمراوى نیز ۵۰۰ جریب زمین از مزارع حاصل خیز بنی سویف را برای دانشگاه در مصر وقف کرد.^(۱)

البته تلاش‌های خیرخواهانه و اعمال نیک از سوی شماری از نیکوکاران جامعه که مال و ثروت خویش را در راه خدا و کارهای عام‌المنفعه وقف کرده‌اند، غیرقابل انکار است؛ اما هنوز هم این اقدامات محدود و اندک است و با میزان ثروت و طبقه ثروتمندان جامعه ما تناسب ندارد. اخیراً مجله *Arabian Business* گزارشی را درباره پنجاه نفر از عرب‌های ثروتمند منتشر کرد که ۴۰۴ میلیارد دلار دارایی دارند. در این گزارش آمده است که به میلیاردرهای عرب که از ترس حسادت حاسدان و درخواست کمک‌های دیگران ناشناس مانده‌اند، نپرداخته است و اگر درباره آنها نیز گزارش می‌داد حتى ۵۰ صفحه روزنامه نیز برای درج نام آنها کم بود.

باید اضافه کنم که کارهای خیر و نیکوکارانه در جامعه ما، حتی پاسخگوی حداقل نیازها و مشکلات امروز امت مسلمان هم نیست. این مشکلات، تمام ابعاد (به ویژه بعد اقتصادی) جامعه‌ای را که ثروتمدان نیز در آن زندگی می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

صرف هزینه برای کارهای عام‌المنفعه برای خود صاحبان ثروت، به ویژه کارهای اقتصادی آنان تأثیر مثبتی دارد؛ بر عکس، هزینه نکردن برای کارهای عام‌المنفعه پیامدهای منفی در پی خواهد داشت که ثروتمدان نیز از تأثیرات آن در امان نیستند.

جای تعجب است، با وجود این که اسلام، انفاق برای کارهای عام‌المنفعه را در سطح امت اسلامی مانند واجب و از اركان اساسی

۱. هویدی، فهمی، مجله خیریه، شماره ۹۱، جمادی الثانی ۱۴۱۸ هـ.

رشد دینی می‌داند اماً چنین کاری اندک صورت می‌گیرد. در قرآن کریم همیشه امر به اقامه نماز و پرداخت زکات همراه با هم آمده است: «پس نماز را برای دارید و زکات بدهید و به خدا پناه بروید»^(۱) و نیز ایمان و انفاق در راه خدا نیز توأمان بیان شده است: «پس کسانی که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند داشت». ^(۲)

در حالی که هزینه برای کارهای عمومی و عام‌المنفعه در دیگر جوامع، به یک پدیده فراگیر تبدیل شده، هنوز در جوامع اسلامی به صورت فردی و محدود انجام می‌گیرد.

روزنامه مصری اخبار الیوم در تاریخ ۱۹۹۷/۸/۵ م. مقاله‌ای از مها عبدالفتاح منتشر کرد. نویسنده در این مقاله با عنوان «روحیه بخشش و وقف ثروتمندان جالب‌ترین پدیده در امریکا» می‌نویسد: «تقریباً هیچ ثروتمندی در امریکا نیست که بخشی از ثروت خود را به جامعه اختصاص نداده باشد». آن‌گاه برای نمونه یک ثروتمند امریکایی را معرفی می‌کند که دو مؤسسه خیریه بنیان‌گذاری کرد و در ده سال گذشته به طور گمنام صدها میلیون دلار به آن مؤسسات کمک کرد، به طوری که تا زمان فروش بخشی از سهام خود و اهدای یک میلیارد دلار آن برای امور خیریه، کسی وی را نمی‌شناخت. این شخص برای خود و خانواده‌اش فقط پنج میلیون دلار برداشت. در گزارش دیگری آمده است:

«در سال ۲۰۰۳ م. کمک‌ها و هدایای امریکایی‌ها به جمیعت‌های خیریه به ۲۴۵ هزار تریلیون دلار می‌رسد که ۲/۲ درصد درآمد ملی است؛ به این ترتیب متوسط کمک هر امریکایی در سال به ۵۰۰ دلار می‌رسد». ^(۳)

۱. حج، آیه ۷۸.

۲. حدید، آیه ۷.

۳. ضمیمه هفتگی روزنامه الایات، شماره ۶۴۹، ۵ ژوئیه ۲۰۰۴ م.

اهتمام به کار فرهنگی

معمولًاً انفاق افراد نیکوکار در جامعه ما برای اموری است که مستقیماً به مسایل دینی بر می‌گردد؛ مانند: ساختن مسجد و حسینیه، حج، عمره، زیارت، تلاوت قرآن و... .

در درجه دوم، انفاق در راستای امور انسانی انجام می‌گیرد؛ مثل: کمک به فقیران، نگهداری از یتیمان و درمان بیماران. و در درجه سوم نوبت به کارهای فرهنگی و علمی می‌رسد؛ مثل: ساختن مدرسه، دانشگاه، مراکز علمی، ایجاد کتابخانه، انتشار مجله و کتاب. تا زمانی که انفاق و کمک به کار فرهنگی، در مرتبه آخر باشد، عقب ماندگی در این زمینه نیز قطعی است.

با توجه به این که دیگر جوامع در زمینه دانش و فناوری به سرعت به پیش می‌روند، آینده این امت چه خواهد بود؟ باید همت‌ها را برانگیخت و کمک‌ها و بخشش‌ها را به سمت امور فرهنگی سوق داد. از نظر اسلام، علم و دانش یک موضوع حاشیه‌ای نیست، بلکه از اركان دین است و اهمیت اتفاق برای نشر معارف و علوم نزد خداوند از ساختن مسجد و امور عبادی کمتر نیست و در واقع در سایه علم و آگاهی و شناخت است که دین و

دیانت حفظ می‌شود و بالا بردن سطح دانش در جامعه، بهترین راه مبارزه با فقر و نیازهای اقتصادی است.

وقف به منظور توسعه فرهنگی

برای ایجاد پشتوانه دائمی رشد فرهنگی و ایفای نقش شایسته در خدمت دانش، ناچاریم وقف به منظور توسعه فرهنگی را ترویج کنیم. همان‌گونه که موقوفاتی برای مساجد، حسینیه‌ها و برگزاری مجالس ائمه و نیز موقوفه‌هایی برای فقرا، مساکین و ایتمام موجود است، باید برای تحصیلات عالی، پژوهش و تحقیقات علمی، تالیف، چاپ کتاب، تبلیغات و ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای وقف داشته باشیم.

البته قبل از هر چیز باید برای استفاده از موقوفات موجود در راستای توسعه فرهنگی فکری کرد؛ آیا نمی‌توان از اوقاف مساجد برای بالا بردن سطح توانایی و شایستگی دست اندر کاران مساجد استفاده کرد؟ آیا نمی‌توان در مساجد برنامه‌های درسی و دوره‌های تعلیم و تربیت برگزار کرد؟ آیا نمی‌توان برای تأمین بودجه فعالیت‌های علمی مربوط به مساجد، مثل ایجاد سایت اینترنتی و انتشار نشریه برای مسجد، از موقوفات آن بهره گرفت؟

همچنین آیا نمی‌توان از موقوفات حسینیه‌ها در راستای فعالیت‌های علمی و اهداف مربوط به حسینیه استفاده کرد؟ وقتی که ما وقفی به نام یکی از امامان (علیهم السلام) داریم آیا نمی‌توانیم بخشی از درآمد آن را صرف بررسی علمی زندگانی ایشان کنیم؟ یا مرکزی فرهنگی برای معرفی سیره و نشر معارف و علوم آن امام تأسیس نماییم؟

چرا استفاده از اوقاف فقط به روش‌ها و شیوه‌های سنتی، مثل ساختن مساجد و حسینیه و برگزاری مراسم و اطعام منحصر

است؟

اگر در میزان تطبیق وقف با فعالیت‌های علمی و فرهنگی ایرادی وجود دارد، علما و فقهاء با تبیین گستره وقف می‌توانند این مشکل را حل نمایند و یا اجازه دهند درآمد مازاد بر مخارج موقوفه در جای دیگری صرف شود.

و بالاخره نتیجه گزارش توسعه انسانی عربی سال ۲۰۰۳ م. مبنی بر این که امروزه علم و دانش در میان اعراب، فریضه‌ای فراموش شده به شمار می‌رود، سخنی کاملاً درست و به حق به نظر می‌رسد.

والحمد لله رب العالمين

پیوست‌ها

دولت بحرین
قانون
اداره اوقاف جعفری
۱۳۷۹ هـ - ۱۹۶۰ م

بسم الله الرحمن الرحيم

ما
سلمان بن حمد آل خلیفه
امیر بحرین و توابع

با توجه به علاقه‌مان در ساماندهی و نظم‌بخشی به اداره امور اوقاف جعفری؛ در تاریخ دوم رجب ۱۳۷۹ هـ. مطابق با اول ژانویه ۱۹۶۰ م. دستور تهیه اساسنامه داخلی این اداره را با عنوان قانون اداره اوقاف جعفری صادر کردیم.

بخش اول
کلیات

ماده ۱

اداره اوقاف جعفری، سازمانی دولتی است که به منظور نظارت

بر اوقاف خاص شیعه تأسیس شده است.

ماده ۲

این اداره در تمامی اوقاف شیعه اختیار تام در تولیت، مدیریت، مراقبت، تعمیر، انجام قرارداد و اگذاری بهره‌برداری از موقوفه^(۱)، وصول عایدات و توزیع و مصرف آن در جهت خاص موقوفه را دارد.

ماده ۳

ارکان اداره عبارتند از: رئیس، رئیس منشیان، منشیان اداری و هیأت مدیره اوقاف جعفری با عنوان شورای اداری اوقاف جعفری، که نظارت بر روند کارها و سازماندهی فعالیت‌های اداره را به عهده دارد.

ماده ۴

رئیس اداره را رئیس حکومت تعیین می‌کند و باید بحرینی‌الاصل و تحصیل کرده با حداقل ۲۵ سال سن باشد.

ماده ۵

رئیس منشیان و منشیان از سوی دولت تعیین می‌شوند و حقوق آنان نیز از حساب خاص دولت پرداخت می‌گردد.

ماده ۶

اعضای شورای اداری از میان مردم بحرین، از طریق انتخابات یا انتصاب از سوی دولت و یا با به کارگیری هر دو روش، بنابر صلاح‌حید حکومت و با اقدام دولت تعیین می‌شوند.

۱. در ماده ۱۲، ۱۵ و ۱۵ کلمه «التضمين» به کار رفته و ظاهراً مترادف با «مزارعه» است؛ به این معنا که زمین کشاورزی و باغها سالانه در قبال سهم یا مبلغ معینی، به منظور کشاورزی و یا برداشت محصول، واگذار گردد. [متترجم]

ماده ۷

اداره از تعطیلات رسمی مانند ۲۵ ماه محرم و ۷، ۱۷، ۲۰ و ۲۸ ماه رمضان و دیگر تعطیلات رسمی دولتی برخوردار است.

ماده ۸

اداره، حق برداشت ۲۰ درصد از کل درآمد اوقاف را دارد که ۱۰ درصد از آن را برای امور جاری اداره هزینه می‌کند و ۱۰ درصد دیگر را در حساب خاص ذخیره هر موقوفه نگهداری می‌کند تا در موقع ضرورت برای تعمیر موقوفه هزینه شود.

ماده ۹

اداره براساس صلاح‌دید، حق نظارت بر ساخت و ساز و تعمیر و بازسازی مصوب شورای اداری را دارد.

ماده ۱۰

اداره بدون تصویب شورا، حق هیچ گونه ساخت و ساز و تعمیر را ندارد، مگر تعمیرات جزئی و ضروری که مخارج آن کمتر از دویست روپیه باشد.

ماده ۱۱

اداره در اول هر سال پس از تأیید کمیسیون حسابرسی، لیست حساب موقوفات، میزان درآمد و هزینه سال گذشته را برای متولیان و دست اندکاران آن می‌فرستد.

ماده ۱۲

اداره، کار حسابرسی سالانه عاملان^(۱) و مستأجران هر وقف را

۱. کسانی که مزارع و باغات موقوفه را طبق شرایط جهت بهره‌برداری در اختیار گرفته‌اند. [مترجم]

انجام می‌دهد و وظیفه دارد در وصول عایدات و اجاره‌ها براساس
شرایط اقدام نماید.

۱۳ ماده

تا زمانی که ضرر و زیان وارد شده به موقوفه از سوی متولی،
عامل، مستأجر و یا اهالی روستا و شهری که موقوفه در آن است،
گزارش نشود، اداره هیچ گونه مسئولیتی در قبال آن بخواهد داشت؛
اما پس از اطلاع از هر ضرر و زیانی وظیفه دارد اقدامات لازم را به
عمل آورد.

۱۴ ماده

اداره، حق عزل و نصب متولیان را ندارد مگر با تصویب شورای
اداری.

۱۵ ماده

اداره باید موعد رسید عایدات را کتبی به عاملان موقوفات اعلام
نماید و از آنان بخواهد به هنگام عقد قرارداد واگذاری بهره‌برداری
از موقوفات و پرداخت تعهدات، در اداره اوقاف حضور یابند.

حکومت دبی

فرمان تأسیس

شورای اداری اوقاف و امور خیریه جعفری

۱۳۹۱ م - ۱۹۷۱ هـ

ما راشد بن سعید المكتوم، امیر دبی، فرمان موارد زیر را صادر می‌کنیم:

ماده ۱

به موجب این فرمان، شورایی به نام شورای اداره اوقاف و امور خیریه جعفری در دبی تشکیل می‌شود.

ماده ۲

شورای اداره، تمام امور اوقاف جعفری در دبی را به عهده دارد؛ از جمله: ثبت و ضبط املاک و مستغلات، حفظ و نگهداری آنها، اجاره دادن موارد قابل بهره‌برداری، توسعه درآمد اوقاف، خرج و انفاق درآمد براساس احکام شرع اسلام و شرایط واقف، عزل و نصب کارکنان، امامان جماعت، سخنرانان و مدرسان و دیگر کارکنان مورد نیاز موقوفات، و نیز تعیین شرایط استخدام و نظارت بر افراد دست اندکار.

ماده ۳

۱. شورا از رئیس و چند عضو تشکیل می‌شود.
۲. عزل و نصب و پذیرش استعفای رئیس با حکم امیر دبی، پس از مشورت با معتمدان و افراد سرشناس شیعه دبی انجام می‌شود.
۳. عزل و نصب اعضای شورا با حکم امیر دبی، پس از مشورت با رئیس شورا انجام می‌شود. هر عضو می‌تواند با تقدیم استعفای کتبی به رئیس شورا از مقام خود کناره‌گیری کند.

ماده ۴

جلسات شورا با حضور اکثریت اعضاء تشکیل می‌شود، و تصمیمات آن با موافقت اکثریت حاضران به تصویب می‌رسد؛ در صورت تساوی آراء، ترجیح با طرفی است که رئیس با آنان هم‌رأی باشد.

ماده ۵

دعاوی اوقاف جعفری از پرداخت تعرفه‌های دادرسی معاف است. همچنین اوقاف جعفری از پرداخت هزینه‌های ثبتی اداره امور ثبت اراضی معاف می‌گردد.
این حکم در تاریخ ۹ ذی القعده ۱۳۹۱ هـ مطابق با ۲۷ دسامبر ۱۹۷۱ م. صادر شد.

راشد بن سعید المكتوم
امیر دبی

حکم تعیین رئیس و اعضای شورای اداری اوقاف و امور خیریه جعفری در دبی

ما راشدبن سعید المكتوم، امیر دبی، با توجه به ماده (۳) فرمان تأسیس شورای اوقاف و امور خیریه جعفری در دبی، احکام زیر را صادر نمودیم:

(۱)

جناب حجتالاسلام آقای سیدمهدى، محسن الحكيم به عنوان رئیس شورای اداره اوقاف و امور خیریه جعفری در دبی منصوب میشود.

(۲)

آقایانی که اسمای آنها آمده، به عنوان اعضای شورا تعیین میشوند:

۱. میرزا حسین علی الفردان
۲. حاج محمد عبدالنبي
۳. محمدبن ناصرالخمیس
۴. جعفر محمدحسین
۵. شیخ غلام عباس انصاری
۶. شیخ علی اصغر انصاری

٧. حاج حبيب كوكر
٨. حاج يوسف حبيب اليوسف
٩. محمدحسن حسين كراشى
١٠. غلام عباس بن كل محمد.

این حکم در تاریخ ٩ ذی القعده ١٣٩١ هـ . مطابق با ٢٧ دسامبر ١٩٧١ م. صادر شد و از زمان صدور لازم الاجراست.

راشدبن سعید المكتوم

امیر دبی

وزیر اوقاف و امور اسلامی رئیس شورای امور اوقاف

بخش نامه شماره ۵، سال ۲۰۰۴ م. - ۱۴۲۵ هـ . وزارت اوقاف و امور اسلامی در خصوص تشکیل کمیسیون مشورتی وقف جعفری در کویت

- با عنایت به بخش نامه تأسیس دبیرخانه اوقاف به شماره ۲۷۵ سال ۱۹۹۳ م.

- و مصوبه شماره ۸۷۴ هیأت وزیران در نشست ۲۰۰۲/۸/۲۵ م. مبنی بر تأسیس واحد اداری ویژه نگهداری اوقاف جعفری در دبیرخانه اوقاف؛

- و مصوبه اداری شماره ۶۵، سال ۲۰۰۲ م. در خصوص ارکان سازمانی دبیرخانه اوقاف و فعالیت در محدوده اختیارات سازمانی؛

- و مصوبه اداری شماره ۶۳، سال ۲۰۰۳ م. در خصوص تشکیل کار گروه مطالعاتی برای تهییه طرح اجرایی ایجاد واحد اداری نگهداری اوقاف جعفری توسط دبیرخانه اوقاف؛

- و نامه دیوان خدمات شهروندی به شماره ۳۲۵۵ به تاریخ ۲۰۰۴/۲/۱۶ م. در مورد موافقت با تشکیل واحد اداری اوقاف جعفری توسط دبیرخانه اوقاف در سطح اداره؛

- و بنا بر مصلحت و اقتضای شرایط؛
مصوبات زیر ابلاغ می‌گردد:

ماده ۱

دییرخانه اوقاف کمیسیون مشورتی وقف جعفری به ریاست معاون مدیرکل امور مالی اوقاف و اعضای ذیل تشکیل می‌شود:

۱. مدیر بخش امور شرعی و قانونی دییرخانه
۲. آقای عبدالله محمدرفعی معرفی
۳. آقای د. صالح الصفار
۴. آقای عبدالهادی صالح
۵. آقای عبدالعزیز طاهر ملاجتمعه
۶. آقای عبدالکریم سلمان احمد استاد
۷. آقای ابراهیم غلوم احمد
۸. آقای جاسم محمدحسین فیازرد
۹. آقای ابراهیم عبدالنبی بن نخی.

ماده ۲

کمیسیون به طور کلی رأساً و یا با مشارکت دیگران حق اظهارنظر و مشورت در تمام فعالیت‌های اوقاف جعفری تحت ناظارت دییرخانه را دارد؛ همچنین اظهارنظر در تعیین مخارج اوقاف، هزینه درست درآمدها، تقویت نقش وقف در رشد جامعه، و کاهش مشکلات نیازمندان، از وظایف کمیسیون است. همچنین کمیسیون در چارچوب قوانین، لوایح و روند جاری دییرخانه، به طور خاص در موارد ذیل مشورت می‌دهد:

- تعیین مخارجی که همسو با اهداف شرعی وقف جعفری است.

- تعیین اولویت موارد مصرف درآمد اوقاف جعفری، طبق شرایط واقفان و احکام فقه شیعه (براساس نظر کمیسیون امور شرعی)؛

- ایجاد و یا پشتیبانی از طرح‌های موثر در توسعه اجتماعی

از لحاظ تمدنی، فرهنگی و اجتماعی، به منظور کاهش مشکلات نیازمندان؛

- ارتباط با ناظران اوقاف جعفری - به جز ناظران دبیرخانه - به منظور همکاری و هماهنگی در تمام فعالیت‌های وقف جعفری و بر جسته کردن نقش آنان در جامعه؛
- تشویق و دعوت برای وقف جعفری؛
- حمایت از ارتباط و همکاری با واقفان و فرزندان ایشان و فراهم کردن زمینه همکاری آنان با دبیرخانه.

ماده ۳

کمیسیون درباره موضوعاتی اظهار نظر می‌کند که از سوی دبیرکل با رعایت سلسله مراتب ارجاع شده باشد.

ماده ۴

گزارش جلسات؛ با امضای اعضای کمیسیون حداقل یک هفته پس از هر جلسه به دبیرکل ارائه می‌شود. در صورت جلسه اظهار نظرها باید همراه با ادله بیان شود. تصمیمات کمیسیون پس از موافقت اکثریت اعضای حاضر در جلسه قابل ارائه است.

ماده ۵

کمیسیون در چارچوب اختیارات خود گزارش‌هایی از نظرها، پیشنهادها و توصیه‌ها را در مورد فعلی‌تر کردن وقف جعفری و تحکیم نقش آن در توسعه جامعه، به منظور کاهش مشکلات نیازمندان، به دبیرکل ارائه می‌دهد.

ماده ۶

کمیسیون می‌تواند از کارشناسان دبیرخانه به منظور شرکت در جلسه و بحث و بررسی درباره موضوعات دعوت کند؛ البته افراد مدعو به هنگام رأی‌گیری حق رأی ندارند.

ماده ۷

کمیسیون، گزارش کار فعالیت‌های سالانه را به دیرکل ارائه می‌دهد.

ماده ۸

وظیفه مخبری کمیسیون به عهده مدیر اداره اوقاف جعفری می‌باشد و می‌تواند از کارمندان اداره به این منظور استفاده کند.

ماده ۹

تنظيم گردش کار و نشست‌های کمیسیون از سوی اعضا و با هماهنگی مدیر کل اوقاف تعیین می‌شود.

ماده ۱۰

از زمان صدور این فرمان، مسئولیت اجرای مواد فوق به عهده مقامات ذی‌ربط در دبیرخانه می‌باشد.

وزیر اوقاف و امور اسلامی
و رئیس مجلس امور اوقاف
د. عبدالله معتوق المعتوق
تاریخ صدور ۱۴۲۵/۳/۲۰ هـ
مطابق با ۲۰۰۴/۵/۹ م.



سازمان اوقاف امویضه
معاونت فزنجی